



معرفت‌شناسی امنیت اجتماعی

محمود کلاه‌چیان^۱

تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۶/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۵/۱۵

چکیده

امنیت اجتماعی یکی از مهم‌ترین ابعاد تشکیل دهنده امنیت ملی است. چنانچه به هر میزان این مولفه در میانه سایر مولفه‌ها نقش بیشتری داشته باشد، امنیت ملی پایدارتر^۲، کم‌هزینه‌تر و بالنده‌تر است. موضوع راه‌کارهای تحقق امنیت اجتماعی در سال‌های پس از فروپاشی شوروی سابق و برهم‌خوردن معادلات امنیتی کشور و بالتبع آن برهم‌خوردن مفاهیم امنیتی و جمع‌شدن ابعاد مختلف در مفهوم امنیت ارزش و وزن خود را بدست آورد. با باز شدن مطالعات جدید امنیت اجتماعی، این مقاله در صدد آن است که پاسخگوی این سؤال باشد که راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی چیست؟ چه شاخص‌هایی برای آن می‌توان در نظر گرفت؟

در پاسخ به این سئوالات محور فرضیات به تحقق یافتن امنیت اجتماعی بر دو مکانیزم کنترل بیرونی و کنترل درونی قرار گرفته است. پرداختن بدین موضوع در این مقاله از کالبدشکافی مفاهیم مرتبط با امنیت اجتماعی شروع و با بیان شاخص‌های آن در چارچوب نظری ادامه خواهد یافت و در ادامه، تقسیم‌بندی شاخص‌ها به کلان و خرد در دو رویکرد فرصت‌سازی و تهدید‌سازی مورد نظر قرار گرفته و در نهایت راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی با بررسی مکانیزم‌های کنترل بیرونی (به صورت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری) و مکانیزم‌های کنترل درونی (به صورت نرم‌افزاری) مورد بحث و محوربندی قرار گرفت. نتیجه بحث با توجه به مکانیزم‌های عنوان شده بیان اصول ده‌گانه‌ای می‌باشد که ایجادکننده فضای فرصت‌یابی و کاهش تهدیدات در تحقق امنیت اجتماعی است.

واژگان کلیدی:

امنیت، امنیت اجتماع، کنترل درونی، تهدید.

۱- استادیار دانشگاه و عضو هیات علمی پژوهشی مرکز آینده‌پژوهی (kolahchian@gmail.com)
2- Sustainable Security

مقدمه

امنیت و میزان آن برای کلیه نظامهای سیاسی و شهروندان، صرف‌نظر از سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی و نوع ایدئولوژی مهم‌ترین و بااولویت‌ترین مسئله به شمار می‌آید. مقوله امنیت به مثابه یک آرمان و واقعیت، به عنوان یکی از حقوق اساسی مردم مطرح است. در نهایت برآیند مجموعه‌ای از تعاملات و نیز تعاون و سازگاری بین اجزاء مختلف نظام اجتماعی می‌باشد.

بی تردید هیچ عنصری برای پیشرفت، توسعه و تکامل یک جامعه و همچنین شکوفایی استعدادها مهم‌تر از عنصر امنیت و تأمین آرامش در جامعه نبوده و توسعه اجتماعی، خلاقیت و فعالیت ارزشمند بدون امنیت امکان‌پذیر نخواهد بود. اصولاً انسان برای رسیدن به یک درجه موفقیت در زندگی و برای رسیدن به اهداف والای انسانی بعد از برآوردن نیازهای فیزیولوژیکی که اساس موجودیتش را تشکیل می‌دهد، نیاز به وجود امنیت و احساس امنیت دارد. نیاز به امنیت پس از نیازهای فیزیولوژیکی انسان به عنوان یکی از ساختارهای اساسی و پایه‌ای تشکیل‌دهنده شخصیت فرد قلمداد می‌شود، و تا زمانی که فرد در زندگی روزمره خود احساس امنیت نکند، هیچ پیشرفتی در طول ساختار شخصیتی خود نخواهد کرد.

مهم‌تر از امنیت، موضوع احساس امنیت است. وجود امنیت در یک جامعه به همان اندازه مهم است، که احساس امنیت روانی در آن جامعه و حتی بعضی از کارشناسان احساس امنیت را در یک جامعه، مهم‌تر از وجود امنیت در آن می‌دانند. چون ممکن است در جامعه‌ای امنیت از لحاظ انتظامی و پلیسی وجود داشته باشد، ولی فرد احساس امنیت ننماید. در این خصوص باید به بررسی مسایل فردی در زمینه امنیت پردازیم. هر چند بررسی این بعد از امنیت به معنای نادیده گرفتن سایر سطوح آن از جمله امنیت ملی و منطقه‌ای و یا بین‌المللی نخواهد بود. می‌توان گفت موضوع امنیت از فرد شروع شده و به خانواده و جامعه و در نهایت نظام بین‌المللی منتهی می‌شود. با این وجود باید گفت تأمین امنیت و احساس امنیت فردی در درجه اول به فرد برمی‌گردد و فرد ممکن است به دو دلیل احساس ناامنی نماید؛ یکی به دلیل عدم تربیت صحیح در خانواده که اساس و پایه شکل‌گیری شخصیت را تشکیل می‌دهد (نامنی روانی) و دیگری ممکن است این احساس ناامنی به خاطر موقعیت و وضعیت خاص حاکم بر یک جامعه باشد و فرد به خاطر وجود پاره‌ای از عوامل مخل امنیت در جامعه احساس ناامنی نماید.

در سطح فردی احساس امنیت در یک جامعه به احساس روانی شهروندان از میزان وجود یا عدم وجود جرم در آن جامعه برمی‌گردد و هر چه میزان فراوانی جرم بالاتر باشد، احساس امنیت پایین‌تر است. ولی این احساس ناامنی صرفاً منبعث از عدم وجود امنیت در یک جامعه نخواهد بود. ممکن است در یک جامعه امنیت وجود داشته باشد، لکن شهروندان آن احساس امنیت نکنند و بالعکس.

با در نظر گرفتن دو حوزه امنیت و احساس امنیت، پرداختن به امنیت اجتماعی، رسیدن به آن و راهکارهای تحقق آن یکی از دلواپسی‌های سیستم امنیتی کشور، خصوصاً در حوزه درونی می‌باشد. با درک وضعیت این مقاله درصدد رسیدن به این راهکارها در گام‌های علمی و مرحله‌ای از شناخت موضوع تا بار کردن گستره‌های کارکردی کاربردی آن می‌باشد. بدین منظور در ابتدا با مفهوم‌شناسی تعاریف چندگانه امنیت اجتماعی، به استخراج مفهوم موردنظر پرداخته و ضمن کندوکاو در چارچوب نظری امنیت اجتماعی به بیان شاخص‌های تهدیدات کلان و خرد امنیت اجتماعی خواهیم پرداخت. شناسایی شاخص‌ها راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی را در دو مکانیزم کنترل بیرونی (سخت‌افزاری نرم‌افزاری) و کنترل درونی برای ما مشخص می‌سازد.

مفهوم امنیت اجتماعی

الف: رسیدن به مفهومی جامع

واژه‌های societal security, community security, social security در فارسی به

امنیت اجتماعی ترجمه می‌شوند:

Social security، که در برخی از متون تأمین اجتماعی نیز ترجمه شده است (طالب، ۱۳۷۷: ۲۱) در واقع حکایت از حفظ فرد در مقابل خطرانی دارد که اجتماع آن را برای افراد رقم می‌زند. فرد را در مقابل خطرانی که مسبب آن زندگی جمعی است همانند بیکاری، فقر، گرسنگی، عدم دسترسی به بهداشت، آموزش و پرورش و ... حمایت می‌کند. (کرباسیان، ۱۳۷۵: ۲۲۵) این واژه با مقوله امنیت در مطالعات امنیت ملی ۱ بسیار فاصله داشته و به گونه‌ای می‌توان ادعا نمود از حوزه امنیت ملی خارج است، چرا که گرچه سازمان‌های وابسته به بیمه‌های اجتماعی، نمایندگان اصلی در جامعه هستند که باید به طور رسمی جبران‌کننده ناملایمات برای افراد باشند و آسیب‌هایی که به فرد وارد شده است سعی کنند جبران نمایند، با این اوصاف این سازمان‌ها در پی از میان بردن دلیل به وجود آمدن این تهدیدات و آسیب‌ها برای افراد هستند. پس تأمین اجتماعی فقط فرد را در مقابل مشکلاتی

که به جهت زندگی در جامعه دامن‌گیر او گردیده است حمایت نموده و در پی جبران آن برمی‌آید. (نویدنیا، ۱۳۸۲: ۶-۵)

از واژه community security برای اولین بار تونیس نام می‌برد (بیرو، ۱۳۷۰: ۵۷) گرچه این واژه نیز امنیت اجتماعی ترجمه گردیده است. ولی تونیس چشم‌انداز خاصی را با به‌کارگیری این واژه در نظر دارد. تونیس community را مجموعه‌ای از افراد می‌داند که با یکدیگر دارای ارتباط چهره‌به‌چهره، مستقیم، عاطفی و دلسوزانه هستند که بالطبع چنین جمعی از تعداد محدودی از افراد تشکیل می‌شود. (فریزی و سه‌یر، ۱۳۷۴: ۳۱-۲۹) مصداق اجتماعی را تونیس خانواده، گروه دوستان، یک روستا، گروه قومی یا مذهبی نام می‌برد. (زیتلین و دیگران، ۱۳۷۳: ۲۵۴) منظور تونیس از به‌کارگیری این واژه بیان ضرورت حفظ و استمرار روابط چهره‌به‌چهره و مستقیم در چنین دسته‌جات اجتماعی می‌باشد. امنیت در اینجا به مفهوم مصون ماندن افراد عضو چنین گروه‌هایی از فروپاشی یا گسیختگی روابط عاطفی و دلسوزانه است. تونیس اعتقادی به ابزارهای نظارت بیرونی و رسمی (قانونی) در برقراری امنیت در اجتماع ندارد. (کوئن، ۱۳۷۲: ۲۰۳) چرا که افراد آن‌قدر به یکدیگر نزدیک هستند و دایم در معرض نگاه مستقیم یکدیگر قرار می‌گیرند که همین نوع ارتباط موجب کنترل آن‌ها شده و نیازی به ابزارهای رسمی وجود ندارد.

این مفهوم (community security) به نوعی با بیان تونیس وارد دایره مفهوم امنیت ملی می‌گردد، اما از آنجا که نوع خاصی از زندگی جمعی را در نظر می‌آورد، تنها می‌تواند در بخشی از مطالعات امنیت موردتوجه قرار گیرد.

Societal Security که به امنیت اجتماعی ترجمه گردیده است. (www.cianet.Org/wps) در واقع مفهوم اصلی را در میان صاحب‌نظران امنیت ملی دربرمی‌گیرد. ویور برای اولین بار این واژه را به کار برده^۱ و قصد خود را از بیان آن چنین توضیح می‌دهد که: امنیت ملی بیشتر معطوف به تهدیدات خارجی است و به حفظ حاکمیت و قلمرو نظر دارد. (www.cianet.org/wps/mobo7) در واقع امنیت در بعد عینی آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد. اما باید امنیت را در بعد ذهنی نیز موردتوجه قرار داد و صرف نظر از حفظ سرزمین و حاکمیت به چگونگی زندگی و شیوه‌های زندگی نیز نظر داشت و این مقوله‌ای می‌باشد که امنیت اجتماعی به آن پرداخته و سازوکارهای استمرار آن را مورد ملاحظه قرار می‌دهد.

۱. خاطر نشان می‌گردد که بیشتر کارهای ویور و بوزان با همکاری یکدیگر صورت گرفته است. ولی از آنجا که رساله دکتری ویور در مورد امنیت اجتماعی است و او روی پردازش نظری این مفهوم بیشتر کار کرده است، او را بانی اولیه مطرح کردن امنیت اجتماعی با مفهوم فوق می‌دانند.

بنابراین آنچه به عنوان امنیت اجتماعی یا امنیت جامعه‌گی و یا امنیت اجتماعی شده مورد توجه صاحب‌نظران امنیت‌ملی می‌باشد، واژه societal security است که دلالت بر وجود امنیت برای جامعه دارد. اما از آنجا که امنیت جامعه‌گی واژه‌ای متداول نبوده، از اصطلاح امنیت اجتماعی در تبیین این مفهوم مدد می‌گیرند و واژه social security به عنوان فرع بر امنیت اجتماعی مطرح می‌شود، در این نگاه community security نیز تنها به عنوان زیرمجموعه‌ای از امنیت اجتماعی مورد ملاحظه می‌باشد.

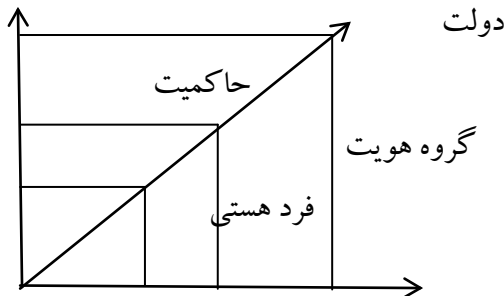
(Macswensy, 1999: 47)

ب: تعریف و کالبدشکافی مفهوم امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی عبارت است از توانایی گروه‌های مختلف صنفی، قومی، ملی، جنسی و... در حفظ هستی و هویت خود (Buzan and Weaver, 1998: 1-42) تعریف فوق متضمن سه نکته بنیادی است.

الف توانایی: منظور از احراز توانایی در اختیار داشتن مکانیزم حقوقی و اداری برای ایجاد مانع و ترویج امکان است. به عبارت دیگر، در توانایی به اقدام مثبت جهت تعالی نظر داریم، تا اقدامی منفی برای بازدارندگی یا ممانعت. توانایی به صورت تلویحی متضمن ممانعت هم می‌باشد اما اعم و پایدارتر از آن می‌باشد. در پرتو برخورداری از توانایی یک هویت جنسی می‌تواند با ایجاد شرایط حقوقی، امتیازاتی را در زمینه طلاق، حضانت فرزند، اشتراک در دارایی و تعیین محل سکونت کسب نماید.

ب گروه: همان‌طور که در امنیت ملی، دولت مرجع امنیت به شمار می‌آید و در امنیت فردی، فرد به عنوان مرجع امنیت به شمار می‌آید، در امنیت اجتماعی، مرجع امنیت گروه است.



براساس نمودار فوق مهمترین مسئله در امنیت اجتماعی بقای هویت گروهی است. به عبارت دیگر در جهان جدید گروه‌ها تمایل ندارند هویت یا «مایی» خود را در هویت یا ماهای دیگر هضم کنند بلکه به واسطه دسترسی به امکاناتی که پیش از این در انحصار دولت بود (مانند اطلاعات) می‌خواهند از حالت من منفعل (me) به صورت من فعال (I) درآمده و هستی و بالندگی خود را تثبیت کنند. به عقیده طرفداران امنیت اجتماعی، این جامعه است که هستی آنان را ساقط می‌کند و باید مکانیزم و فضای اجتماعی را به گونه‌ای تعریف و ترمیم نمود که در آن هیچ هویتی نتواند هویت‌های دیگر را نابود کند. چنین چالشی با مهاجرت‌های گسترده، موج پناهندگان و تسخیر نرُمی که در پی فرآیند مدرنیزاسیون، پدید آمده، صورت جدی به خود گرفته و در متون امنیتی - در جوار امنیت ملی - واجد شأنی قابل توجه و غیرقابل انکار شده است.

ج هویت: همان‌گونه که توضیح داده شده، هویت ناظر بر فلسفه وجودی و مجموعه خواسته‌های یک عامل (اعم از زنان، روحانیت، کارگران، عرب‌ها و...) و علایق آن‌ها مربوط می‌شود. به عبارت بهتر هویت خط فارق یک گروه دیگر است. این خط‌فاصل مانع از آن می‌شود که این دو در همدیگر تلفیق شوند.

همان‌گونه که دیده می‌شود این سه عامل در تعامل با همدیگر و به صورت مکملی، معنادار هستند. بر این مبنا امنیت اجتماعی هنگامی مطرح می‌شود که:

- سیاست یک یا چند گروه در معرض خطر قرار گیرد.

- هویت فوری و اصیل‌ترین موضوع تعارض باشد.

- تمرکز اساسی بر وجه امنیتی موضوع معطوف باشد، یعنی جدال بر سر هویت یک گروه (مانند اقلیت ارمنی)، امنیت ملی رابه نحوی متأثر می‌سازد. (پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۲: ۱۱-۹)

ادیات امنیت اجتماعی

امنیت در معنای عینی یعنی فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های کسب‌شده و در معنای ذهنی یعنی فقدان هراس از اینکه ارزش‌های مزبور مورد حمله قرارگیرد. (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۲) عنصر اساسی تعریف فوق مفهوم ارزش‌ها می‌باشد که نیازمند به توصیف غنی و تبیین قوی دارد تا از ابهام و کلیت تعریف امنیت بکاهد، بدین سبب سئوالاتی نظیر اینکه ارزش‌های کسب‌شده کدامند؟ آیا آن‌ها ذهنی‌اند یا عینی؟ ثابتند یا متحول؟ آیا آن‌ها ماهیت دوگانه و متناقض با یکدیگر ندارند؟ چه تفاوت و ارتباطی با مفاهیم دیگر مانند باورها، هنجارها، نمادها و ایدئولوژی دارند؟ (ر. ک، محبوبی‌منش، ۱۳۸۰) مطرح می‌شود.

در ادامه این سئوال‌های اساسی مطرح می‌گردد که امنیت توسط چه کسی؟ برای چه کسی؟ و برای چه منظوری؟ امنیت برای دولت یا مردم؟ امنیت برای نیل به عدالت یا آزادی و یا هر دو؟ آیا امنیت قابل حصول کامل است؟ چه کسی یا کسانی مسئولیت اصلی حفظ امنیت را به عهده دارند یا باید داشته باشند؟ و بالاخره اینکه کدام تهدیدات امنیت را به چالش می‌کشاند؟ پاسخ به سئوال‌ات فوق مستلزم طرح مباحثات و مطالعات پدیده‌ای است که از حوصله این مقال خارج است. همچنین برای پرداختن به ادبیات موضوع (امنیت اجتماعی) نیاز است که ابعاد، گستره و سطوح امنیت مشخص باشد. امنیت را شاید به بیانی بتوان گفت یکی از عناصر بنیادی بعد سیاسی نظم اجتماعی محسوب می‌گردد که دارای ابعاد متنوعی شامل ذهنی و عینی، داخلی و خارجی، فردی و جمعی می‌باشد و از لحاظ گستره نیز شامل حیطه‌های ملی، منطقه‌ای و جهانی است.

از جنبه سطح به سطوح خرد و کلان تقسیم می‌شود. هر یک از ابعاد، گستره و سطوح امنیت به نوبه خود به خرده ابعاد دیگری تقسیم می‌شود. برای مثال، امنیت در سطح خرد می‌تواند شامل امنیت جانی، مالی، فکری، بیانی، اخلاقی، شغلی و حقوقی باشد و در سطح کلان نیز می‌تواند زیرسطوح اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و طبیعی یا زیست‌محیطی را دربرگیرد.

۴- چارچوب نظری امنیت اجتماعی

برای رسیدن به چارچوب امنیت اجتماعی در ابتدا به بیان این مفهوم از نگاه مؤلف پرداخته و در ادامه به بیان شاخص‌های امنیت اجتماعی می‌پردازیم.

اگر امنیت اجتماعی را شامل تمهیداتی جهت حفظ زندگی اعضای یک جامعه (شانس زندگی) (گیدنز، ۱۳۷۴: ۶۲۷) و سپس حفظ راه و روش زندگی آنان (شیوه زندگی) بدانیم. (گیدنز، ۱۳۷۱: ۹۱) بنابراین امنیت اجتماعی ناظر بر توانایی پاسداشت یا دفع تهدید از عنصری است که افراد یک جامعه را به همدیگر مرتبط می‌سازد. به عنوان نمونه اگر زنجیره اتصال اقلیتی، ملیت آن‌هاست، امنیت اجتماعی آنان عبارتست از رفع دغدغه‌ها و نگرانیهایی که به ویژگی خاص آن‌ها مربوط است. (www. Ciao. Net)

از این رو می‌توان عنوان داشت که امنیت اجتماعی اولاً بر ساخته فضایی اجتماعی است یعنی در بستری اجتماعی شکل می‌گیرد. ثانیاً امنیت در عبارت امنیت اجتماعی، متغیری مستقل است چون پاسداشت ارزشهای خاص صاحبان یک هویت خاص در حکم فلسفه وجودی آن‌هاست. ثالثاً امنیت اجتماعی به لحاظ معنایی نه به سطح امنیت فرد تنها مربوط

است و نه به امنیت ملی. بلکه امنیت اجتماعی عبارت است از رهایی از اضطراب و تعقیب ایمنی در قالب یک گروه اجتماعی نظیر خانواده یا یک مجمع قومی، مذهبی و غیره. (نصیری، ۱۳۸۱: ۱۲۷-۱۲۶)

بر اساس این تعریف امنیت اجتماعی شامل دو بخش می‌باشد که در عین حال که مکمل یکدیگرند از تقدم زمانی برخوردارند. چنانکه شانس زندگی قبل از شیوه زندگی در دستور کار امنیت اجتماعی قرار دارد. در واقع امنیت اجتماعی در وهله اول باید زندگی افراد را تضمین نموده و خطراتی که امکان زندگی اعضای یک جامعه را به مخاطره می‌اندازد، از میان ببرد و در وهله دوم کمر به حفظ راه و روش زندگی آنان ببندد.

در این تعریف جامعه دلالت دارد بر مجموعه افرادی که به جهت داشتن صفات مشترک دارای خصوصیات و خلیقات مشابه شده‌اند. افراد یک جامعه از الگوهای رفتاری یکسانی بهره می‌جویند که به طور ضمنی ریشه در صفات مشترکی دارد که میان آنان وجود دارد. بدین ترتیب صفات مشترک مایه پیوند افراد جامعه به یکدیگر شده و تشابه و همسانی میان آنان را رقم می‌زند.

اگر بخواهیم در مقام پاسخ به سؤال امنیت برای چه کسی برآییم، (هدف مرجع) مطرح خواهد شد که امنیت برای افرادی که جامعه را تشکیل می‌دهند یعنی افرادی که به جهت اشتراک در جنس، قومیت، ملیت، سن، طبقه، شغل، خویشاوندی، علایق اجتماعی، هنری و امثالهم هدف امنیت اجتماعی قرار می‌گیرند.

نکته نهایی اینکه امنیت اجتماعی ناظر بر مبادلات اجتماعی و استفاده از آنها به مثابه فرصتی برای اطمینان‌بخشی و اعتمادسازی است. بر این اساس امنیت اجتماعی جزء بنیادی زندگی امروزی است چون علی‌رغم تمام بحران‌ها، هنوز خشونت یک استثناء و مبادلات غیرخشونت‌آمیز یک قاعده است.

پس از مشخص شدن محدوده مفهوم این واژه برای پرداختن به راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی نیاز است تا شاخص‌های آن را مورد بررسی و دقت نظر قرار دهیم.

بسته به اینکه هدف مرجع امنیت چه باشد، شاخص‌ها نیز متفاوت می‌باشند چنانچه هدف مرجع امنیت، دولت در نظر گرفته شود. تهدیدات نظامی به مثابه منبع اصلی ناامنی تلقی شده و آمادگی نظامی نیز به نخستین ابزار تحقق امنیت مبدل می‌شود چرا که در این چارچوب آمادگی نظامی شرط حتمی برقراری امنیت است و شاخص‌های امنیت اجتماعی در این قالب کلاسه می‌شود. اما چنانکه هدف مرجع امنیت، جامعه در نظر گرفته شود، تهدیدات هویتی، منبع اساسی ناامنی بوده و پیوستگی و اتحاد میان اعضای جامعه نیز اولین

ابزار تحقق امنیت خواهد بود. عناصر هویتی دارای گستره فراوانی بوده و عناصری همچون قومیت، مذهب، محیط جغرافیایی و... را دربرمی‌گیرد. آنچه در ذیل به عنوان شاخص‌های امنیت اجتماعی مطرح می‌شود، مواردی هستند که هویت بارز جامعه را بیشتر از بقیه عناصر می‌نمایاند. (نویدنیا، ۱۳۸۲: ۸-۱۵) در اینجا به بررسی دو سطح شاخص‌های تهدیدات امنیت اجتماعی، یعنی کلان و خرد می‌پردازیم:

*تهدیدات کلان

الف- حفظ زبان و ادبیات: زبان یک ملت، نظام معنایی یک جامعه است و ابزاری مهم برای حفظ و شکل‌گیری و انتقال هویت به شمار می‌آید. (تنهایی، ۱۳۷۴: ۴۲۷ و ۴۳۵) از آنجایی که به میزان حفظ زبان و تبعات آن، حفظ هویت جامعه امکان‌پذیر شده و امنیت اجتماعی تحقق می‌یابد و یا بالعکس تعلق در رواج کامل و تام زبان و ادبیات مکتوب فرایند هویت‌یابی افراد جامعه و آسیب‌پذیر نموده و آن‌ها را در معرض خطرات و تهدیدات جدی قرار می‌دهد، در زمره شاخص‌های امنیت اجتماعی قرار می‌گیرد.

ب- لباس و نحوه پوشش: پوشاک به عنوان یک عنصر هویتی، بارزترین سمبل و سریع‌الانتقال‌ترین نشانه هویتی است که به سرعت و به راحتی فکر، روح و اندیشه مصرف‌کننده را آشکار می‌سازد. لباس نماینده آرام و آسان فهم، بیان همگونی‌های هویتی در جامعه است که می‌توان آن را به عنوان یکی از شاخص‌های امنیت که بیان بخشی از هویت جامعه را یدک می‌کشد در نظر آورد. (صارمی، بی تا: ۷۷ و شیخاوندی، ۱۳۸۰)

ج- آگاهی از تاریخ و گذشته: شکل‌گیری احساسات عمیق و ریشه‌دار توده‌های مردم و تثبیت انگاره‌های جمعی در یک جامعه، نیازمند جریانهای درازمدت تاریخی و خاطرات ساخته شده از رخدادها و حوادث مربوط به آن است. بنابراین، خودآگاهی تاریخی و علاقه و دلبستگی نسبت به تاریخ و تحولات گذشته هر جامعه سازنده و شکل‌دهنده وضعیت هویتی جامعه خواهد بود. (جنکینز، ۱۳۸۱: ۱۵۳ و ۱۷۴) بدین ترتیب آگاهی از حوادث و شخصیت‌های تاریخ و بازنگری آنان برای نسل حاضر از جمله شاخص‌های امنیت اجتماعی قلمداد می‌گردد. چرا که اعضای جامعه به میزان شناخت و معرفت از حیات اجتماعی گذشته بر هویت خویش آگاهی یافتند و به راحتی تحت تأثیر انگاره‌های گوناگون که می‌تواند تهدیدی برای آنان تلقی گردد، قرار نگیرند. (ر. ک: فصلنامه مطالعات ملی، ۱۳۷۹)

د- عادات، سنن و فرهنگ‌های جاری: آیین‌ها، مناسک و برخی از آداب و رسوم نشان‌دهنده سطحی از زندگی است که طی سالیان متمادی، ساخته و پرداخته شده‌است و

شکل گرفته‌اند. (ورجاوند، ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶) این عادات و فرهنگ‌های جاری در واقع بخش دیگری از هویت ما را پدیدار می‌کنند، چرا که افراد را در سری اعمال و رفتارها که ریشه در گذشته دارد پیوند زده و موجبات همبستگی آنان را فراهم می‌نماید.

([Http: \ \ Carmen. Artistic Washington. edu/ panop/ home/. Html](http://Carmen.Artistic.Washington.edu/panop/home/.Html))

بدین ترتیب فراموش کردن این سنن و عدم امکانات اجرای آن‌ها در حکم محروم ساختن هویت ما از پایه‌های خود و در نتیجه نابودی پایه‌های آینده مشترک دارد. از آنجایی که امنیت اجتماعی به حفظ هویت جامعه نظر دارد، فراموشی، کمرنگ شدن و کم‌اهمیت شدن آنان چه به لحاظ موانع قانونی و رسمی تهدیدی برای امنیت تلقی می‌گردد.

ه- **اشاعه باورها و عقاید:** یکی از شاخص‌های امنیت اجتماعی را می‌توان میزان امکانات گروه‌ها برای بیان باورها و عقایدشان دانست چرا که به میزانی که گروه‌ها می‌توانند مبانی نظری و فکری خود را مطرح نمایند به تقویت هویت خود پرداخته و با خطرات ناشی از فراموشی و سست شدن مبنای هویت جمعی مقابله می‌گردد و بالعکس اگر قادر به ارائه نظرات عقلی و منطقی خویش نباشند، به تدریج در جامعه به دست فراموشی سپرده شده و هویت آنان در معرض نابودی قرار می‌گیرد و به این ترتیب امنیت اجتماعی آنان به مخاطره می‌افتد. (کوئن، ۱۳۷۲: ۱۳۹-۱۲۹، گیدنز، ۱۳۷۴: ۴۷۹-۴۷۲)

شاخص‌های پنج‌گانه عنوان‌شده غیرمستقیم در تأمین امنیت اجتماعی نقش ایفا می‌کنند و پنهان‌ریشه‌ای هویت اجتماعات را از درون تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. در این جهت جامعه را می‌توان به دو بعد ذهنی و عینی قابل تقسیم دانست. باورها و عقاید با درهم‌آمیزی با ارزش‌ها، بعد ذهنی و آیین‌ها و مناسک بعد عینی جامعه را تشکیل می‌دهند که از ارتباط متقابل آنان عینیت جامعه منصف ظهور می‌یابد. بنابراین باورها و مناسک دارای ارتباط متقابل و دوطرفه هستند که تاریخ دوام یا زوال آنان را رقم زده و به گسترش یا نابودی آنان یا به تعبیر دیگر به اعتبار یا عدم اعتبار آنان دامن می‌زند و زبان که اعتبار میان تمام عناصر هویتی را امکان‌پذیر می‌نماید و ابزار کارآمد ارتباطی است در عین ارتباط با تمام عناصر هویتی، خود به عنوان یک کلیت مستقل جلوه‌گر شده که قابل طبقه‌بندی میان عناصر هویتی نمی‌باشد و لباس به عنوان یک شکل بیان، ابزار مکمل زبان در نظر آمده که همبستگی صوری و ظاهری جامعه را دامن زده و طبیعتاً تحت‌تأثیر باورها و عقاید و تاریخ شکل می‌پذیرد.

*تهدیدات خرد

با توجه به تعریف آورده شده از امنیت اجتماعی، حفاظت از امنیت، عوامل مختلفی دارد که عبارت‌اند از تأمین نیازهای فیزیولوژیک، ایجاد ارتباط جمعی، دادن هویت فرهنگی خاص به اعضا، حفظ و حراست از بقای جامعه و ایجاد و حفاظت از همبستگی و انسجام اجتماعی، هر گاه اجتماع و نظام اجتماعی کارکردهای فوق را از دست بدهد، کارکرد امنیت اجتماعی مورد تهدید قرار می‌گیرد. این رویکرد تهدیدی را تحت عنوان شاخص‌های تهدیدات خرد امنیت اجتماعی در محورهای ذیل مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

الف- افزایش جمعیت و رشد جامعه شهری: پدیدار شدن کلان‌شهرهای انبوهی که استقرار کلیه امکانات و وسایل رفاهی در آنان قرار گرفته باشد و مرکز نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور باشد، سکنی‌گزینی غیرمتعارف را به وجود می‌آورد که نتیجه آن ورود سیل آسای افراد جویای شغل (نجاتیان، ۱۳۷۴: ۲۲-۲۰) نقش اجتماعی، جایگاه اجتماعی و... می‌باشد. این امر تهدیدکننده امنیت اجتماعی، به هم‌ریختن ثبات اجتماعی مناطق و ناهمگون شدن جمعیت در مناطق مختلف می‌گردد. (عطارزاده، ۱۳۷۸: ۷۴-۶۶ و سلطانی، ۱۳۷۴: ۱۲۰)

ب- ذره‌ای و اتمی شدن افراد جامعه: افزایش جمعیت، گمنامی را در کلان‌شهرها رقم زده و نتیجه آن ذره‌ای و اتمی شدن جمعیت می‌باشد، رویکرد تهدیدزای این امر از بین رفتن و یا نبود ترس افراد از شناخته شدن می‌باشد که خود جلوه‌ای از گسترش مفاسد، جرایم و فعالیت‌های لمپنی را ایجاد می‌کند. (رفیع‌پور، ۱۳۷۷: ۵۹-۵۷ و کلاه‌چیان، ۱۳۸۲)

ج- شکاف طبقاتی: بالا رفتن سطح توقعات و عدم انطباق آن با امکانات جامعه که نتیجه‌اش نابرابری اجتماعی می‌باشد (Manse & brooms, ۱۹۹۹)، عملاً با تعریف امنیت اجتماعی که هدفش زندگی اعضای یک جامعه (رعایت عدالت) است، مغایرت داشته و در سه حوزه رسمی (شغل، تحصیلات و درآمد) قابل اندازه‌گیری می‌باشد. (رفیع‌پور، ۱۳۷۷: ۱۹۳-۱۸۳)

د- حاشیه‌نشینی: گسترش شهرها از کمربند حاشیه‌ای آن‌ها شروع می‌شود که دربرگیرنده افراد مهاجر، بی‌کار و دارای فرهنگ‌های مختلف می‌باشد که درصدد دست‌یابی به امتیازات مرکز می‌باشد. (حسین‌زاده، ۱۳۷۰) افراد این حوزه به دلیل دارا بودن فرهنگ‌های متفاوت، پای‌بند بودن به فرهنگ خود را از دست داده و عملاً در پی فرهنگ‌گزینی است نه فرهنگ‌پذیری این افراد، پذیرش و گزینش فرهنگ را با منافع مادی خود رقم می‌زنند و بدین دلیل در رویکرد به هنجارها دیدی پارادوکسیکال نسبت به مرکز داشته و فضای گفتمانی و عملی آنان فضایی حاشیه‌گونه است (زنجان، ۱۳۷۱ و محسنی، ۱۳۷۸/۷/۱۷) که عملاً این فضا در خدمت تهدیدات امنیت اجتماعی، مفاسد و نظایر این‌ها درمی‌آید.

۲- وجوه منفی عناصر نظام اجتماعی (تغییر یافته)

راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی

با مشخص شدن منظور نگارنده از تعریف امنیت اجتماعی و بسترگشایی دو حوزه خرد و کلان شاخص‌های امنیت اجتماعی در جهت تهدیدزایی و فرصت‌یابی راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی در دو مکانیزم کنترل بیرونی و کنترل درونی قابل استنتاج می‌باشد. هدف از ارایه راهکارهای فوق کاهش تهدیدات و افزایش فرصت‌ها می‌باشد. به عبارتی ما به دنبال مکانیزمی می‌باشیم که فرصت‌یابی را به کاهش تهدیدات غلبه دهد.

الف: مکانیزم‌های کنترل بیرونی

یکی از محورهای تحقق امنیت اجتماعی پرداختن به مکانیزم‌های کنترل بیرونی است. در هر جامعه سالمی که در آن شرایط آنومی وجود ندارد و لذا احتمال انحرافات علی‌الاصول کم می‌باشد، باید یک سیستم کنترل بیرونی قوی وجود داشته باشد. بر اساس نظریه اتکینسون (see: Atkinson, ۱۹۶۴)^۱ هنگامی یک انسان دست به یک عمل (a) می‌زند که از یک طرف ارزش (v) آن عمل a و از طرف دیگر احتمال (E) اجرای آن عمل a بیشتر از ارزش و احتمال اجرای عمل دیگر (b) باشد. (ارزش عمل va * انتظار موفقیت عمل Ea) > (ارزش عمل vb * انتظار موفقیت عمل Eb) < (Ea * vA) مثلاً وقتی یک دزد، ارزش کالایی را که می‌خواهد بدزدد (va) زیاد و احتمال موفقیتش (Ea) به علت کاهش کنترل بالا باشد و از طرفی احتمال گیر افتادن (Eb) و میزان مجازات عمل (vb) پایین در نظر گرفته شود، در آن صورت انگیزه دزدی در او تقویت می‌شود، لذا مکانیزم کنترل بیرونی باید دو کارکرد داشته باشد:

نخست: میزان مجازات برای یک کار خلاف برای شخص خاطی پرهزینه باشد.

دوم: احتمال کشف خلاف در زمان اجرا و یا بعد از آن (حضور نیروهای کنترل‌کننده) بایستی بسیار زیاد باشد.

مکانیزم‌های کنترل بیرونی را می‌توان دو حوزه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تقسیم نمود.

۱/ الف: مکانیزم بیرونی سخت‌افزاری

۱- ایجاد ساختارهای سازمانی متناسب با تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی: تافلر اشاره می‌کند

که زندگی انسان مجموعه‌ای از «تصمیمات بابرنامه» و «تصمیمات بی‌برنامه» است. در شرایطی که تصمیمات بابرنامه، از نظر روحی چندان گران تمام نمی‌شود، تصمیمات بی‌برنامه یا تصمیماتی که از قبل برنامه‌ریزی نشده‌اند از جنبه روانی بسیار پرهزینه‌اند. (تافلر، ۱۳۷۲: ۳۶۶-۳۶۵) به اعتقاد او تزریق سریع تازگی در محیط، توازن ظریف تصمیمات (بابرنامه و) بی‌برنامه را در سازمان‌ها و زندگی خصوصی ما برهم می‌زند. سرعت بی‌نهایت زیاد تحول، حکومت‌ها و سیاستمداران را غافلگیر می‌کند و احساس درماندگی و سردرگمی آنها را شدت می‌بخشد. (تافلر، ۱۳۷۱: ۵۶۱) این سردرگمی به حوزه سازمان‌های اجتماعی نیز کشیده می‌شود. با رشد آهنگ تغییر شکل‌های سنتی و موجود سازمان که توان پاسخگویی به جریان روبه‌رشد تغییر و مسایل فردی و اجتماعی را ندارند کهنه و منسوخ جلوه می‌کنند و عملاً اجتماع را به تجدید ساختارهای سازمانی می‌کشاند. ایجاد ساختارهای متناسب با کاربرد حفظ امنیت اجتماعی، همانند نهادهای انتظامی، قضایی اطلاعاتی و امنیتی باید بسته به شرایط روز، محیط اجتماعی، محیط داخلی و بین‌المللی تعریف شده و در جهت تأمین امنیت اجتماعی در راستای برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها فعال شود.

۲- ایجاد رویه‌های قانونی متناسب با روح جامعه: مسئله امنیت و نظم اجتماعی از نقطه‌نظر منشأ، کمیت و کیفیت، حفظ و سازمان یا اختلال در آن. کانون توجه دورکیم است. (ر. ک: دورکیم، ۱۳۷۳) به نظر دورکیم، مبنای نظم جامعه (امنیت اجتماعی) عامل اخلاقی است نه سیاسی یا اقتصادی. نظم فراگردی غیرارادی است که از درون جامعه خودبه‌خود می‌جوشد. آنچه حافظ نظم است عنصری اخلاقی است. (بشیریه، ۱۳۷۴: ۴۸) او قویاً اظهار می‌دارد که جامعه‌شناسی، علم واقعیات اخلاقی است. اخلاق در اندیشه دورکیم متشکل از سه عنصر اساسی است:

۱- قوانین ۲- اتصال ۳- اختیار

در باب قوانین (قواعد) مطرح می‌کند که اخلاق در نهایت سیستمی از قواعد در جهت هدایت فعالیت‌های مردم است که مشتمل بر دو عنصر اصلی است:

نخست اقتدار: قوانین (قواعد) اخلاقی در واقع با نوعی اقتدار ممزوج و آمیخته گردیده است و مردم نسبت به آنها احساس تکلیف دارند که باید از آن اطلاعات، حفاظت نمایند، چرا که در نزد آنها مقدس می‌باشند.

دوم مطلوبیت: قواعد اخلاقی تعیین‌کننده اهداف مطلوبی هستند که جهت‌دهنده و جذب‌کننده انرژی افراد به سوی خود می‌باشند و ناظر بر مفاهیم خوب و مطلوب است که

از هنجارهای صرفاً لذت‌گرایانه متمایز است.

بنابراین می‌توان دومین مکانیزم بیرونی سخت‌افزاری رسیدن به امنیت اجتماعی را قوانین و قاعده‌های ایجابی در جهت حفظ ساختار و تأمین امنیت اجتماعی عنوان کرد، قاعده‌هایی که برای قانون‌گذار و مجری قانون؛ هنجار، هنجارشکنی و نظایر این‌ها را روشن می‌سازد. قوانینی همچون:

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

- قانون و مقررات نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ناجا)

قانون ضابطین بسیج

- مأموریت‌ها و تدابیر ابلاغی

- آیین‌نامه‌ها و مقررات موضوعی (اماکن و...)

۳- مجری قانون (پلیس نیروی انتظامی): سومین مکانیزم بیرونی سخت‌افزاری تحت عنوان مجری قانون (پلیس) مطرح می‌گردد. فلسفه وجودی نیروی انتظامی (پلیس) امنیت و نظم عمومی می‌باشد و همه بخش‌های نیروی انتظامی، چه در بخش‌های عقیدتی و فعالیت‌های فرهنگی و چه در بخش‌های حوزه اجتماعی و انتظامی و چه در بخش‌های معیشتی همیشه تأکید بر این نکته دارد که خروجی کار باید بر امنیت تأثیرگذار باشد؛ لذا تأکید بر بخش عملکرد پلیس اصل و مبناست و شاخص آن خروجی امنیت در مجموعه جامعه می‌باشد. اما چرا پلیس را سخت‌افزار گرفته‌ایم! از آنجایی که پلیس نماینده یک سازمان رسمی است و به صورت نیروی کنترل‌کننده سخت‌افزاری مناسب فعالیت می‌کند. آن را در این حوزه تعریف نموده‌ایم. هرچند حرکت نیروی انتظامی به رویکردهای نرم‌افزاری علم انتظامی و ایجاد سازمان‌های غیررسمی حرکتی جدید است و قابل بررسی، اما در حال حاضر جنبه سخت‌افزاری آن در سه نوع حوزه فعالیت یعنی عملیات روانی، عملیات اطلاعاتی و عملیات انتظامی کاملاً مشهود است. (قالیباف، ۱۳۸۲: ۲۲-۱۳)

۴- کارکرد (نحوه اجرای قانون): چهارمین مکانیزم سخت‌افزاری بیرونی، نحوه اجرای قانون است. ساترلند^۱ می‌گوید: «یکی از ضعف‌های بزرگ روش‌های قضایی عصر حاضر تکیه مداوم بر تهدید به وسیله مجازات کردن برای جلب‌نظر مردم در احترام به قانون است. در حالی که هیچ‌گاه تا کنون با تهدید و ارعاب میسر نشده که کسی قلباً و صمیمانه وادار شود

تا به آنچه که به زور بر او تحمیل می‌شود احترام بگذارد.» (محققان گورنایی، ۱۳۷۶: ۹-۸) جدای از ارزش‌گذاری در چگونگی اجرای قانون و بررسی تأثیر آن در دو بعد منفی و مثبت و یا حتی خنثی می‌توان بیان داشت که نحوه اجرای قانون در تشویق و تنبیه که از آن به فقدان مدیریت جامع شهری و فقدان انتظام ساختاری، هنجاری و کارکردی دستگاه‌ها و نهادهای ذی‌دخل در تولید، نگهداری و توسعه امنیت عمومی و انضباط اجتماعی یاد می‌شود، از آن جمله است. کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ کشور به واسطه گسترش و تراکم ناهمگون بافت قدیم و جدید، مهاجرت وسیع از روستاها، شکاف طبقاتی، آمایش نامناسب اماکن و صفوف، ضعف سیستم‌های صنعتی، ضعف شدید کانال‌های تصریح و تألیف منافع اقشار و صنوف مختلف، متوازن نبودن ابعاد توسعه در جغرافیای شهری، هزینه سرانه امنیت عمومی و انضباط اجتماعی در شهرها را افزایش داده است و ما عملاً با پدیده ناامنی مواجه شده‌ایم. نتیجه یک نظرخواهی از سوی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران در سال ۱۳۸۰ مبین این گفته می‌باشد: (مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران، ۲۰/۷/۱۳۸۰)

در این طرح از ۳۲۰۲ نفر از ساکنان بالای ۱۸ سال در شهرهای تهران، همدان، یزد، مشهد، اصفهان، کرمان، ارومیه و فارس به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای نظرخواهی شد و نتیجه آن این چنین آشکار ساخت که ۸۱ درصد ایرانیان به گونه‌ای احساس ناامنی می‌کنند. در نتیجه این نظرسنجی آمده است:

«مطالعه حاضر در چهار بخش صورت گرفته که به اعمال و شرایطی اشاره شده است که افراد در روابط عادی روزانه خود با آن‌ها مواجه می‌شوند. در مجموع افراد پاسخگو ناامنی زیادی را در همه موارد ارائه شده داشته‌اند.» (همان: ۳۲)

از این روست که نحوه اجرای قانون به عنوان یکی از مکانیزم‌های سخت‌افزاری مهم در جنبه بیرونی تحقق امنیت اجتماعی تأثیرگذار بوده و بدون دقت نظر در این سخت‌افزارهای بیرونی ایجاد تعادل و نظم اجتماعی مشکل و یا حتی غیرممکن به نظر می‌رسد.

۲/ الف: مکانیزم‌های بیرونی نرم‌افزاری

حوزه دوم مکانیزم‌های بیرونی را تحت عنوان مکانیزم‌های نرم‌افزاری می‌توان راهکارهایی در جهت تحقق امنیت اجتماعی دانست. از جمله این نرم‌افزارها می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت:

۱- ایجاد سازمان‌های غیررسمی: سازمان‌های غیررسمی همچون اشخاص، گروه‌های اجتماعی، سازمان‌های غیردولتی (NGO) و نظایر اینها به جهت مشارکت متعارف افراد جامعه در تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند یکی از راهکارهای بیرونی ایجاد امنیت اجتماعی باشد.

(ر. ک: گلشن‌پژوه، ۱۳۸۱ و سیمبر، ۱۴/۱۲/۱۳۷۸) ثبت‌نام در لیست‌های انتخاباتی، جستجوی اطلاعات سیاسی از طریق لابی‌های سیاسی و صنفی، پیوستن به یک سازمان دارای اهداف جمعی. (سندیکا، انجمن، گروه منفعت‌طلب) و پیوستن به یک حزب سیاسی می‌تواند زمینه‌های ایجاد چنین مشارکت‌هایی را فراهم آورد. حضور افراد در تصمیم‌گیری‌ها، نقش داشتن آنان و باور داشتن خود و قبولاندن آن به دیگران از جنبه‌های نرم‌افزاری این تأثیرگذاری می‌باشد که خود می‌تواند در تأمین امنیت اجتماعی جامعه نقش به‌سزایی ایجاد کند. نکته قابل تأمل در این رویکرد پرهیز از تبدیل این جریان‌ها و حوزه‌ها به گروه‌های فشار می‌باشد. چرا که در صورت حرکت به سمت این رویه ما دچار اشکال در تمیز اشکال خش مشارکت از مشارکت متعارف شده و این رویکرد می‌تواند ما را به سمت و سوی خشونت سیاسی و النهایه بحران سیاسی بکشاند. (See: Richardson, ۱۹۹۳)

۲- عمل سازمان‌های غیررسمی (کارکرد): عمل سازمان‌های غیررسمی را می‌توان در دو نظام تنبیه و تشویق مورد مطالعه قرار داد. (بنت و هس، ۱۳۸۰: ۱۶۲-۱۵۱) در جوامع سنتی نظام قوانین بر اساس تنبیه شکل گرفته بود. در اواخر قرون وسطی مجازات‌های شدید و غیرانسانی معمول بوده و مبارزه میان دو قدرت سیاسی و مذهبی وجود داشت. عده‌ای از پادشاهان برای حفظ قدرت از کلیسا جدا شده و قوانین خاصی را وضع نمودند. این وضعیت وجود داشت تا اینکه در اواخر قرن ۱۸ دانشمندانی از جمله روسو، منتسکیو، ولتر و بنتام از قانون‌های مجازات بی‌رحمانه انتقاد نمودند. (مظلومان، ۱۳۵۶: ۲۹)

جوامع مدرن برعکس عمل نموده و نظام تشویق را جایگزین تنبیه نمودند. در جوامع مدرن نظام تشویق در سه محور: مادی، معنوی و توزیع احترام (منزلت‌پرستی) خلاصه می‌گردد. والتر کلس^۱ در بیان سه محور عنوان شده می‌گوید: این نظام تشویقی باعث ایجاد یک سری عوامل درونی شامل هنجارها و قواعد اجتماعی در فرد شده و در نتیجه امنیت اجتماعی را حاصل می‌آورد. این عوامل درونی عبارت است از:

- ۱- کنترل برخورد
- ۲- وجدان قوی یا خود قوی
- ۳- تصویر درست رفتاری از خود
- ۴- فراخود کاملاً رشدیافته
- ۵- تحمل بالای ناکامی
- ۶- گزینش بالای ناکامی

۷- گزینش هدف

۸- مسئولیت‌پذیری

۹- دسترسی به راه‌های جانشینی برای کسب رضایت. (مساواتی آذر، ۱۳۷۴: ۲۸۰)
علاوه بر دو نظام تنبیه و تشویق، بهره‌گیری از هیأت‌های مذهبی، کدخدا منشی و ریش‌سفیدان اجتماعی را می‌توان از دیگر رویکردهای عمل سازمان‌های غیررسمی (کارکرد) در تأمین امنیت اجتماعی دانست.

ب: مکانیزم کنترل درونی

انسانها به قول زیگموند فروید^۱ و ریزمن^۲ دارای سیستم کنترل درونی نیز هستند. عواملی وجود دارند که انسان‌ها را از کارهای نامشروع باز می‌دارند. یکی از مهم‌ترین این عوامل مذهب است. اگر پایندهای مذهبی اعضاء یک جامعه قوی باشد، انسان‌ها کمتر به سوی کارهای نامشروع خواهند رفت و خود را به طور درونی کنترل خواهند نمود که این قوی‌ترین و موثرترین نوع کنترل است. آن هم بدون هزینه نیروهای انتظامی و غیره.

در مقابل اگر نقش دین در جامعه و در مردم تضعیف گردد، امکان انحراف و آنومی به شدت افزایش می‌یابد. بدین منظور پرداختن به امور مذهبی افراد خصوصاً جوانان و پاسخ به سئوالات و شبهات آن‌ها موجب تداعی ساختار وجدانی در آن‌ها شده و وجدان خود به صورت یک مکانیزم قوی درونی به فعالیت می‌پردازد. (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۳۸)

اگر ما وجدان را مکانیزم‌های کنترل درونی عنوان کنیم، در صورتی که فرایند ناپیدای مکانیزم درونی به خوبی در جامعه حضور داشته و جزئی از شخصیت شهروندان شود، بهتر از مکانیزم‌های بیرونی (سخت‌افزاری نرم‌افزاری) در رفع صدور غیرقانونی و ناهنجاری‌ها و ابعاد امنیت اجتماعی مؤثر واقع می‌شود. برای بیدار کردن و به عبارت بهتر هوشیار نمودن وجدان افراد جامعه و درونی کردن هنجارها و رسیدن به خودکنترلی محورهای ذیل پیشنهاد می‌گردد:

۱- تجربه کردن گروه‌های سنی: حضور نیروهای محصل و دانش‌آموز در مؤسسات علمی تحقیقاتی برای روشن نمودن اذهان آنان و انتخاب مسئولیت‌های آینده یکی از روش‌های کمک آموزشی است که سالیان دراز است که به خدمت گرفته شده است. بردن همین افراد به ندامتگاه، بازداشتگاه و مراکز تعلیم و تربیت بزهکاران می‌تواند تصویری جدید از جامعه،

1- Sigmund Freud

2- Riesman

حوادث و واقعیت‌های آن در جوانان ایجاد کند و عملاً به عنوان یک عامل بازدارنده و تأمین‌کننده امنیت اجتماعی از طریق مکانیزم درونی کارا باشد.

۲- شرکت در غم و شادی‌های خطاکاران و غیرخطاکاران: مشخص کردن و به نمایش درآوردن احساسات شکست، غم و ناراحتی بازماندگان یک محکوم و یا اعدامی، تا ضمن شریک شدن وجدان‌ها نقش تربیتی نیز انجام گرفته و فرد در حین شریک شدن، مرزهای خود را ترسیم و پرتگاه‌ها را مشخص سازد. همچنین شادی آزادی و اتمام محکومیت در کسان و خانواده مجرم نیز به همین طریق می‌باشد

۳- ارتباط برقرار کردن با درون انسان‌ها: این ارتباط باید مستقیم و حقیقی باشد، نه به صورت تبلیغاتی و مجازی. آنچه هم‌اکنون از رسانه‌های تصویری پخش می‌شود برداشتی دل‌بخواخانه است که با تأیید کارگردان به صحنه کشیده می‌شود. اما اگر این ارتباط برقرار کردن در تصویر کشیدن آدم‌های موفق و ناموفق به صورت صحیح و بدون صحنه‌سازی صورت پذیرد اثرش در عرصه‌های قانونی بسیار مثبت و در تأمین امنیت اجتماعی بارز خواهد بود.

۴- پرداختن به آموزش فرهنگ نه فرهنگ آموزش: در صورتی که انتقال یا آموزش فرهنگی از سنین بسیار پایین (۲ تا ۳ سالگی) انجام بگیرد شاکله فرهنگ‌سازی در دست مربیان و تعلیم‌گران خواهد بود. اما این روند در کشور ما در حال حاضر به صورتی انجام می‌پذیرد (و در سنینی صورت می‌گیرد) که شاکله شکل گرفته است (دوره‌های راهنمایی تا دبیرستان) و موفقیت بسیار ناچیز و ناهماهنگی کاملاً مشهود است. هزینه‌های بالای تبلیغات در خصوص مصرف، رعایت قوانین و نظایر این‌ها تنها در جایی جواب می‌دهد که از سنین پایین به آموزش فرهنگ اهتمام داشته و پایین آوردن سن آموزش فرهنگ ایجاد امنیت اجتماعی را آسان و سهل می‌نماید.

۵- تغییر مجری قانون: مجری قانون بایستی با رویکرد مکانیزم بیرونی تنها از افراد نظامی و ملبس به لباس قانون (پلیس) خارج شده و تبدیل به سایر مجریان قانون گردد. در صورت موفق شدن در آموزش فرهنگ ما دیگر با جنبه سخت‌افزاری مکانیزم بیرونی (پلیس) روبه‌رو نمی‌باشیم بلکه فرزندان، کودکان جامعه، همسایه‌ها، شهروندان و به طور کلی تمامی افراد جامعه امر به معروف و نهی از منکر را سرلوحه تذکرات خود قرار داده و به جای قانون در هنجارسازی‌ها نقش ایفا می‌کنند.

۶- تأمین منافع فردی در حفظ منافع جمعی است: تا زمانی که منافع فردی هر کس اولویت اول بوده و فرد تنها در کسب اولویت‌های خود بوده و منافع فردی خود را بر منافع جمعی

برتری دهد، ایجاد نظم و تأمین امنیت حاصل از آن متصور نمی‌باشد؛ لذا در صورتی که وجدان جمعی جانشین وجدان فردی و منافع فردی شده و شخص منافع جمع و سازمان و گروه را بر منافع خود برتری دهد، امید به تأمین امنیت اجتماعی بسیار افزایش خواهد یافت.

۷- احترام متقابل تأمین‌کننده امنیت اجتماعی است: یکی دیگر از مکانیزم‌های درونی شده وجدان جمعی که در تأمین امنیت اجتماعی به صورت نرم‌افزاری ایفاء نقش می‌کند احترام متقابل است. احترام فی‌مابین دو نفر، فرد با فرد، فرد با گروه، گروه با فرد، گروه با گروه و نظایر این‌ها که می‌تواند حلقه‌های دوستی، وحدت و اجماع را در جامعه ایجاد نماید. در صورتی که این دوستی‌ها از مرحله شعارزدگی و ظاهری بودن به مرحله عینی بودن برسند، در تمامی سطوح جامعه تأثیر مثبت خود را داشته و عملاً امنیت اجتماعی حاصل می‌آید.

۸- جلوگیری از شکاف طبقاتی: با بیان کردن شهروند به جای طبقه طبقه کردن جامعه: (طبقه متوسط، خودی و...) اجتماع تقویت شده و رشد و توسعه دوام و بقا می‌یابد. هویت اجتماع ناظر بر شناخت و شناخته شدن است و این امر مستلزم قبول داشتن تمامی اعضای آن به عنوان عضوهای مجزایی است که ترکیبی کامل از شاکله جامعه را حادث می‌نماید. این وحدت با ایجاد احترام و حتی شنیدن و اعتراضات مخالفین و نماینده گرفتن از مخالفین قابل اجرا می‌باشد. به عبارتی دشمن را تبدیل به بی‌تفاوت و بی‌تفاوت را تبدیل به دوست باید نمود، چرا که فرزند متعلق به خانواده است حتی اگر به انحراف کشیده شود؛ لذا وظیفه کلیه اعضای آن خانواده کمک به او و در مسیر درست قرار دادن او است.

۹- ایجاد تعادل بین حق و تکلیف در جامعه: با به هم خوردن حق و تکلیف رابطه امنیت اجتماعی به هم می‌خورد. هر فرد حقوقی نسبت به افراد دیگر داشته و افراد دیگر نیز به نوبه خود تکالیفی نسبت به او و بالعکس دارا می‌باشند. چنانچه این رابطه حق و تکلیفی در جامعه یک‌طرفه شده و تنها در افراد، گروه‌ها، شخصیت‌ها و... خاص معنا پیدا کند، امنیت اجتماعی دچار خلل گشته و جامعه نظم خود را از دست می‌دهد.

۶- نتیجه‌گیری

این مقاله درصدد آن بود تا با رویکردی اجتماعی، به بحث و مطالعه درخصوص راههای رسیدن به امنیت اجتماعی پردازد. راهکارهای عنوان‌شده در دو بستر بیرونی و درونی مورد بررسی قرار گرفت. در بستر بیرونی مکانیزم‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری آن بیان گشته و در بستر درونی به مکانیزم‌های نرم‌افزاری راههای رسیدن به امنیت اجتماعی پرداخته شد. اما آنچه در رسیدن به راهکارهای اصل و اساس می‌باشد «کاهش تهدیدات و افزایش فرصت‌ها»

در بستر اجتماع می‌باشد. به عبارتی باید فضایی در جامعه ایجاد شود که فرصت‌یابی بر کاهش تهدیدات غلبه پیدا کند و این امر ممکن نیست مگر اینکه اصول ده‌گانه ذیل مورد دقت نظر تصمیم‌سازان، تصمیم‌گیران، سیاست‌سازان و سیاست‌بازان امر امنیت اجتماعی قرار گرفته و سرلوحه افکار و اعمال آنان باشد. (مرکز تحقیقات و پژوهش‌های ناجا، ۱۳۸۲: ۳۲-۳۰)

۱- اصل جامعه‌محوری: امنیت یک تولید اجتماعی است که به میزان بلوغ و احساس مسئولیت و مشارکت جامعه قابل حصول است و از طریق مردم قابل تأمین و پایدارسازی است.

۲- اصل پیشگیری: تا آسیب‌پذیری انسانی وجود دارد تهدید هم وجود دارد و با وجود تهدید، رسیدن به امنیت اجتماعی امری مشکل است؛ لذا باید از فرصت‌سوزی‌ها حذر و به فرصت‌سازی‌ها اتکا داشت.

۳- اصل تقدم امنیت نرم‌افزاری به امنیت سخت‌افزاری: پیشگیری و کنترل باید بر اقتدار اطلاعاتی و روش‌های غیرمستقیم مبتنی باشد نه بر قدرت حضور و مواجهه مستقیم.

۴- اصل تعمیم امنیت: نظم و امنیت موسمی و مقطعی و منحصر به زمان و مکان و طبقه‌ای خاص نیست، چیزی است که باید عادلانه و بدون تبعیض بر سر شهروندان سایه گستر باشد.

۵- اصل همکاری و هماهنگی نظام‌مند: نظم و امنیت اجتماعی مقوله‌ای فرابخش است که همه دستگاه‌ها و نهادها به نوعی در تولید، نگهداری و توسعه آن دخیل می‌باشند؛ لذا همکاری و هماهنگی نظام‌مند و هم‌راستای کارکردها در این جهت، اهمیت فوق‌العاده دارد.

۶- اصل نهادمندی و پایداری: نظم و امنیت خواسته‌ای دایمی و در اولویت است که بدون نهادینه شدن و ریشه داشتن در بطن و متن جامعه نمی‌تواند پایدار بماند.

۷- اصل جامع‌نگری: نظم و امنیت پدیده‌هایی اجتماعی هستند و هر پدیده اجتماعی، تک‌بعدی و تک‌عاملی نیست بلکه محصول سیستم‌ها و زنجیره‌هایی از مؤلفه‌ها و علل و عواملی است که ملاحظه همه آن‌ها در نظر و عمل، یعنی تصمیم‌سازی و اجرا الزامی‌اند.

۸- اصل مشارکت و نظارت عمومی: پلیس امین و مورد اعتماد و طرف مشورت مردم است؛ لذا بهره‌مندی از نظارت همگانی بر خود، باعث تقویت اعتماد و کارایی در طرفین خواهد شد.

۹- اصل تعلیم و تربیت اثربخش: درونی کردن هنجارهای اجتماعی در میان افراد باید با استفاده از شیوه‌های اثربخش و جدید تعلیم و تربیت صورت بگیرد. به‌طوری‌که فرد در صورت ارتکاب به بزه و جرم دچار تعارض شخصیتی و عذاب وجدان شود.

۱۰- اصل تعادل: تعادل بین کنترل‌های درونی (نرم‌افزاری) و بیرونی (سخت‌افزاری نرم‌افزاری) در جامعه.

منابع و مأخذ

منابع فارسی:

۱. بشیریه، حسین (۱۳۷۴) **انقلاب و بسیج سیاسی**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۲. بنت، وین و کارن هس (زمستان ۱۳۸۰) **انضباط و رفتارهای مسأله‌ساز**، ترجمه عبدالله مجیدی و مجید رضایی‌راد، فصلنامه دانش انتظامی. سال سوم، شماره ۴
۳. بوزان، باری (۱۳۷۸) **مردم، دولت‌ها، هراس**. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
۴. بیرو، آلن (۱۳۷۰) **فرهنگ علوم اجتماعی**، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: کیهان
۵. پژوهشکده مطالعات راهبردی (۱۳۸۲) **قانون امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (بخش مفاهیم)**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
۶. تافلر، الوین (۱۳۷۲) **شوک آینده**. ترجمه حشمت‌اله کامرانی، چاپ اول، تهران: انتشارات مترجم
۷. تافلر، الوین (۱۳۷۱) **جابه‌جایی در قدرت، دانایی و ثروت و خشونت در آستان قرن ۲۱**، ترجمه: شهیندخت خوارزمی، چاپ سوم، تهران: انتشارات مترجم
۸. تنهایی، ابوالحسن (۱۳۷۴) **درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی**. گناباد: انتشارات مردنیز
۹. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۰) **رسانه‌ها و ثبات سیاسی**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
۱۰. جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱) **هویت اجتماعی**، ترجمه: تورج یاراحمدی، تهران: انتشارات شیراز
۱۱. حسین‌زاده، کریم (خرداد و تیر ۱۳۷۰) **حاشیه‌نشینی در جستجوی معنی و مفهوم**. اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۴۶-۴۵
۱۲. دورکیم، امیل (۱۳۷۳) **قواعد روش جامعه‌شناسی**، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۱۳. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷) **توسعه و تضاد: کوشش در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران**، تهران: سهامی انتشار، چاپ دوم
۱۴. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸) **آنومی یا آشفتگی اجتماعی: پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران**، تهران: سروش
۱۵. زنجانی، حبیب‌اله (۱۳۷۱) **جمعیت و توسعه**. تهران: مرکز مطالعات شهرسازی و معماری
۱۶. زیتلین، ایرونیگام و دیگران (۱۳۷۳) **آینده بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی**، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: قومس
۱۷. سلطانی، محمدعلی (زمستان ۷۴) **اثرات جمعیت بر ناهنجاریهای اجتماعی**، فصلنامه مطالعات جغرافیایی، شماره ۳۹
۱۸. سیمبر، رضا (۱۳۷۸/۱۲/۱۴) **سازمان‌های غیردولتی و نفوذ آن‌ها در جامعه جهانی**، روزنامه اطلاعات،

شماره ۲۱۸۶۲

۱۹. شیخاوندی، داور (۱۳۸۰) **ناسیونالیسم و هویت ایرانی**، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران
۲۰. صارمی، نوذرامین. **نگاهی به تاریخ پوشاک**، کتاب ماه هنر، شماره ۱۸
۲۱. طالب، مهدی (۱۳۷۷) **تأمین اجتماعی**، مشهد: آستانه قدس رضوی، دانشگاه امام رضا
۲۲. عطارزاده، مجتبی (پاییز و زمستان ۱۳۷۸) **پوشش امنیتی رشد جمعیت در ایران**، فصلنامه راهبردی، شماره ۵ و ۶
۲۳. فریزی، دیوید و درک سهیر (۱۳۷۴) **درک جامعه**. ترجمه احمد تدین و شهین احمدی، تهران: آران
۲۴. فصلنامه مطالعات ملی (پاییز ۱۳۷۹) ویژه هویت ملی، سال دوم
۲۵. قالیباف، محمداقبر (پاییز ۱۳۸۲) **پلیس و رهیافت اجتماعی توسعه امنیت**، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، پیش‌شماره اول
۲۶. کرباسیان، مهدی (۱۳۷۵) **نقش تأمین اجتماعی در فقرزدایی**، مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی. جلد اول
۲۷. کلاه‌چیان، محمود (۱۳۸۲) **اپوزیسیون توده‌وار: تحلیلی بر بحران خرداد ۸۲**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
۲۸. کوئن، بروس (۱۳۷۲) **مبانی جامعه‌شناسی**، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت
۲۹. گلشن‌پژوه، محمودرضا (۱۳۸۱) **راهنمای سازمان‌های غیردولتی**، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر تهران
۳۰. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۱) **جامعه‌شناسی پیش‌درآمدی انتقادی**، ترجمه ابوطالب قنایی، شیراز: دانشگاه شیراز
۳۱. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴) **مبانی جامعه‌شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی
۳۲. محبوبی‌منش، حسین (۱۳۸۰) **سلسله‌مراتب ارزشی دانشجویان**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس
۳۳. محسنی، رضاعلی (۱۷ / ۷۸) **شهر و حاشیه‌نشینی**. همشهری
۳۴. محققیان گورناتی، زهرا (۱۳۷۶) **بررسی عوامل مؤثر بر انحرافات اجتماعی در سنندج**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد
۳۵. مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (۲۰ / ۷ / ۱۳۸۰) **گزارش طرح نظرسنجی بررسی امنیت اجتماعی از دیدگاه شهروندان هشت شهر کشور** (تهران همدان ارومیه فارس کرمان یزد اصفهان مشهد) معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی، شماره ۱۲۱
۳۶. مرکز تحقیقات و پژوهش‌های ناجا (پاییز ۱۳۸۲) **نظم اجتماعی و چالش‌های توسعه**، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، پیش‌شماره اول

۳۷. مساواتی آذر، مجید (۱۳۷۴) آسیب‌شناسی اجتماعی: جامعه‌شناسی انحرافات. تبریز: انتشارات نوبل
۳۸. مظلومان، رضا (۱۳۵۶) جرم‌شناسی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۳۹. نجاتیان، حسین (تیر ۱۳۷۴) انفجار جمعیت، دشواری تحصیل و افزایش عده بیکاری. گزارش سال پنجم، شماره ۵۳
۴۰. نصیری، قدیر (زمستان ۱۳۸۱) معنا و ارکان جامعه‌شناسی امنیت، فصلنامه راهبرد، نشریه مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۲۶
۴۱. نویدنیا، منیژه (۱۳۸۲) امنیت اجتماعی: روایتی جامع (گزارش پژوهشی). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
۴۴. ورجاوند، پرویز (اسفند ۱۳۷۵ و فروردین ۱۳۷۶) آیینهای ملی: عامل حفظ وحدت ملی، گزارش سال هفتم. شماره ۷۴-۷۳

منابع انگلیسی:

1. Atkinson, John, W (1964) An Introduction to motivation, Princeton: van no strand
2. Http: \ Carmen. Artistic Washington. edu/ panop/ home/. Html see, Identity & community
3. Macs weensy, Bill (1999) security Identity and interest , kingdom: Cambridge
4. Manse, Jeff & Salem brooms (1999) social cleavages and political change, oxford: oxford university press
5. Richardson, Jeremy j (1993) pressure Groups, oxford: oxford university press
6. Www. Ciao net. Org: Buzan Barry and ole weaver (April 1998) liberalism and security the contradictions of the liberal leviathan , Copenhagen peace Research Institute .
7. Www. Ciao societal, index. Html: weaver, ole. Barry Buzan, liberalism and security: The contradictions of the liberal leviathan, Http. www. Ciao. Net org, Wes/ Bubo 2/ html, p3.6 see, Roe, paul, the societal security Dilemma, , pp, 1-3
8. www.cianet. Org / wipes: The societal security dilemma. P.1
9. Www. ciao net. Org / Wes/ mobo7/ Index. Html: Three futures for Israel and Palestine. P.8

Getting to Know Societal Security

Mahmoud Kolahchian
Assistant Professor & Faculty Member
of the Center for Future Research

Societal security is one of the most fundamental factors involved in the construction of national security and if case this factor plays a greater role among other factors, the national security would be more sustainable, more economical and more outstanding.

The issue of factors dealing with the realization of national security in the years following the Dissolution of the Soviet Union and altering the rules of national security which leads to the alteration of security concepts and the development of the domains of the concept of security which highlights the role of societal security. With the formation of a new window to the analysis of societal security, this article tends to answer the question of “what are the solutions to the realization of societal security?” and “what factors can be assigned to it?” The main hypothesis in this article is considered to be the internal and external control. The researcher then starts with a thorough analysis of the concepts related to societal security and then proceeds by mentioning its theoretical factors. The indicators are divided into the categories of micro-societal security and macro-societal security in the area of opportunity-making and thread-making. Finally the solutions to the realization of the societal security would be rendered. These solutions include internal control mechanism and external control mechanism. In conclusion the researcher analyzes ten cardinal factors for opportunity-making and resisting the threads in the realization of societal security.

Keywords: Security, Societal security, internal control, threat, Damage, law, Law